

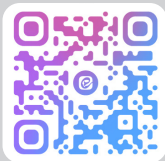


نبرد سرنوشت؛

آخرین وعدیت

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران





 payamenehzat.ir

 @ paiaamenehzat

فهرست

۴	پیام اول	شهادت رهبر انقلاب، هم‌زمان با برنامه ریزی شروع دور چهارم مذاکرات دروین رقم خورد!
۵	پیام دوم	جنگ رمضان نتیجه تهدید پذیر شدن ایران با قبول دور سوم مذاکرات بود.
۶	پیام سوم	مذاکرات فعلی، ادامه مسیری است که امام شهید، مسئولین را از آن برحذر داشتند!
۷	پیام چهارم	افراد ظاهربین به دنبال حل مسائل کشور از طریق مذاکره با آمریکا هستند.
۸	پیام پنجم	مذاکره با آمریکا بن بست محض است!
۹	پیام ششم	مذاکره با آمریکا ضررهای جبران‌ناپذیری برای کشور دارد.
۱۰	پیام هفتم	قبول مذاکره زیر تهدید، نشانه تهدیدپذیری ایران اسلامی است!
۱۱	پیام هشتم	مذاکره همراه با تهدید را هیچ ملت با شرفی انجام نمی‌دهد.
۱۲	پیام نهم	ادعای دادن امتیاز توسط آمریکا دروغ است!
۱۳	پیام دهم	مذاکره برای آمریکا مفید است نه ایران!
۱۴	پیام یازدهم	مذاکره با آمریکا گره تحریم‌ها را کورت‌تر خواهد کرد!
۱۵	پیام دوازدهم	ذات استکباری آمریکا، جز با تسلیم شدن ایران آرام نخواهد گرفت.
۱۶	پیام سیزدهم	مذاکره با آمریکا، عاقلانه، هوشمندانه و شرافتمندانه نیست!
۱۷	پیام چهاردهم	این استدلال که گفتگوهای فعلی با مذاکره قبل از جنگ متفاوت است، استدلال خطایی است.

شهادت رهبر انقلاب، هم‌زمان با برنامه ریزی شروع

دور چهارم مذاکرات در وین رقم خورد!

«امروز به برکت ملت هوشیاری مثل ملت ایران... نه آمریکا و نه بزرگ‌تر از آمریکا... قادر نیستند حادثه‌ای مثل حادثه صلح امام حسن ع را بر دنیای اسلام تحمیل کنند. این‌جا اگر دشمن زیاد فشار بیاورد، حادثه کربلا اتفاق خواهد افتاد.» (رهبر شهید: ۱۳۷۹/۲/۱)

دکتر پزشکیان در ۳ اسفند ۱۴۰۴ در توثیتی به زبان انگلیسی نوشت: «مذاکرات اخیر شامل تبادل پیشنهادات عملی و ارائه سیگنال‌های دلگرم‌کننده بود». دوباره در سفرش به مازندران در ۶ اسفند و دیدار با فعالان اقتصادی آن استان گفت: «در زمینه گفتگوها چشم‌انداز خوبی می‌بینیم. ان شاءالله فردا آقای عراقچی در جلسه‌ای در ژنو خواهد بود». آقای عراقچی در ۷م، در ژنو به‌عنوان دور سوم مذاکرات حاضر شد و پس از



عراقچی برای دور سوم مذاکرات
ایران و آمریکا وارد ژنو شد

گفتگوها با امیدواری اعلام کرد: «امروز یکی از جدی‌ترین و طولانی‌ترین ادوار مذاکراتی بود، نزدیک چهار ساعت صبح جلسه داشتیم و نزدیک دو ساعت و خرده‌ای عصر... خیلی جدی وارد عناصر یک توافق شدیم، و... راجع به برخی از مسائل تفاهم الان ایجاد شده... و شاید بیش از گذشته جدیت در دو طرف مشهود بود برای رسیدن به یک راه‌حل مذاکره شده... درمجموع یکی از بهترین دوره‌های مذاکرات... بود. دوشنبه جلسات فنی در آژانس شروع می‌شود و این نشانگر آن است که دو طرف آن‌قدر جدیت پیدا کردند که الان وارد بحث‌های ریز کارشناسی شوند... درباره دور چهارم توافق شد به زودی برگزار شود و فکر می‌کنم حدود یک هفته آینده این جلسه را [در وین] خواهیم داشت...». اما آن هفته بعد مذاکراتی هیچ وقت نیامد؛ آمریکا و رژیم صهیونی که دوباره از مذاکرات به‌عنوان عملیات فریب استفاده می‌کردند، در صبح روز ۹ اسفند حمله وحشیانه‌شان به ایران را شروع کردند؛ حمله‌ای که هدف اول آن به شهادت رساندن رهبرمان برای کلیدزدن تغییر حکومت، فرماندهان برای فروپاشی قدرت دفاعی و بمباران مدرسه کودکان میناب برای ایجاد رعب عمومی بود. کربلای ایران رقم خورد و همان شد که فرموده بود: مثلی لا یبایع مثل یزید (رهبر شهید: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸)

جنگ رمضان نتیجه تهدید پذیر شدن ایران با قبول

دور سوم مذاکرات بود.

Masoud Pezeshkian
@drpezhkian

با توجه به درخواست دولت های دوست در منطقه برای پاسخ به پیشنهاد رئیس جمهور آمریکا جهت مذاکره، به وزیر خارجه دستور دادم در صورت وجود فضای مناسب و غای از تهدید و به دور از توقعات بی منطق، زمینه مذاکره عادلانه و منصفانه بر اساس اصل عزت، حکمت و مصلحت را در چارچوب منافع ملی فراهم سازد

پازدید ۲۶۲۸ - ۸۳۱ - ۲۰ فوریه ۲۶

در منطق راهبردی رهبر شهیدمان، مفهومی حیاتی وجود داشت که نادیده گرفتن آن، هزینه های جبران ناپذیری بر کشور تحمیل کرد: خطر مخابره سیگنال «تهدیدپذیری»! ایشان با بصیرتی الهی هشدار داده بودند که اگر کشوری زیر سایه تهدیدات نظامی و تحریم، پای میز مذاکره بنشیند، عملاً به دشمن این پیام را مخابره کرده که در برابر فشار، مرعوب و تسلیم پذیر است. با تثبیت این ادراک در ذهن مستکبران، زنجیره باج خواهی ها هرگز

متوقف نخواهد شد و تن دادن به مذاکره در چنین شرایطی، نه خردمندانه است و نه شرافتمندانه. با این حال، کالبدشکافی تحولات دیپلماتیک از دی ماه ۱۴۰۳ تا اسفند ۱۴۰۴، پرده از یک رویه تلخ در بدنه اجرایی کشور برمی دارد. در این بازه زمانی، رهبر انقلاب سه موج پیاپی از هشدارهای قاطع را نسبت به بن بست بودن مذاکرات و تدارک پنهانی دشمن برای نشستن پشت میز، فعال تر می شد؛ روندی که در کمال ناباوری به برگزاری دور اول و دوم مذاکرات مستقیم در عمان منجر گردید.

اوج این خطای محاسباتی در اسفند ۱۴۰۴ رقم خورد. دقیقاً در روزهایی که دستگاه دیپلماسی و ریاست جمهوری در حال برنامه ریزی و فراهم کردن مقدمات دور چهارم گفت و گوها در وین بودند، دونالد ترامپ به طور مداوم و با گستاخی تمام، ایران را آماج تهدیدات و لفاظی های نظامی قرار داد. پذیرش میز مذاکره درست در زیر باران تهدیدات ترامپ، یک معادله خطرناک را در فضای سیاسی و بین المللی شکل داد: «ایران کشوری تهدیدپذیر است که زیر بار تهدید به مذاکره تن می دهد». این انفعال آشکار، نه تنها سایه جنگ را دور نکرد، بلکه ماشین جنگی دشمن را برای آغاز «جنگ رمضان» گستاخ تر ساخت.

امروز نیز نباید در دام تحلیل های خوش باورانه گرفتار شد. آنانی که می کوشند مذاکرات جاری را صرفاً تاکتیکی برای شکستن محاصره بنادر تفسیر کنند، در حال بزک کردن واقعیت اند. حقیقت میدانی آن است که اراده حاکم بر این گفت و گوها، تداوم همان تفکر پیش از جنگ است. جنگ چهل روزه و شهادت رهبر انقلاب، تنها وقفه ای در این روند ایجاد کرد؛ اما ماهیت و چارچوب آمریکایی این مذاکرات همچنان پابرجاست و تکرار همان خطایی است که پیش تر کشور را به مسلخ جنگ کشاند.

مذاکرات فعلی، ادامه مسیری است که امام شهید در ماه‌های منتهی به شهادت خود، مسئولین را از آن برحذر داشتند!

پس از شعله‌ور شدن آتش «جنگ رمضان»، سرانجام در ۱۹ فروردین ۱۴۰۴ یک آتش‌بس موقت و دوهفته‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا برقرار گردید و مقرر شد دور تازه‌ای از گفت‌وگوهای دیپلماتیک آغاز شود. با این حال، بزرگ‌ترین خطای شناختی و تحلیلی در مقطع کنونی این است که افکار عمومی و نخبگان جبهه انقلاب، این مذاکرات را پدیده‌ای مقطعی، نقطه‌ای و صرفاً زاییده شرایط پساآتش‌بس بیندارند.



واقعیت میدانی و سیاسی نشان می‌دهد نشست‌هایی که مسئولین فعلی آغازگر آن بودند، یک رویداد تازه نیست؛ بلکه امتداد روندی است که از سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ پایه‌گذاری شد. این گفت‌وگوها، دقیقاً کپی‌برداری از همان بینش و مسیری است که امام شهیدمان در ماه‌های منتهی به عروج خونین خویش، با هشدارهای پیایی، مسئولان را از قدم گذاشتن در آن برحذر داشته بودند.

ریشه این اصرار بر مسیر باطل را باید در یک «خطای محاسباتی» مهلک و راهبردی در میان برخی از مسئولان امر جست‌وجو کرد. متأسفانه در لایه‌هایی از بدنه اجرایی کشور، این توهم و جمع‌بندی خطرناک شکل گرفته است که اگر تقابل با آمریکای مستکبر حل‌وفصل نشود، اساساً امکان اداره کشور، مدیریت ساختارها و پیشبرد امور وجود نخواهد داشت. این مرعوب شدن در برابر سلطه آمریکایی باعث شده تا ظرفیت‌های عظیم جبهه مقاومت و قدرت بازدارندگی بی‌نظیر آن نادیده گرفته شود و کلید حل مسائل کشور، به جای اتکا به قدرت درون‌زا، در دستان دشمن جست‌وجو شود. لذا، اگر بخواهیم با عینک واقع‌بینی و به دور از تحلیل‌های سطحی و خوش‌بینانه به صحنه نگاه کنیم، به هیچ‌وجه نباید این مذاکرات را پدیده‌ای مستقل و نوپدید تحلیل کنیم. میز مذاکره امروز، امتداد همان دیپلماسی انفعالی گذشته است. تغییر عنوان مذاکرات به «میدانی دیگر برای مبارزه»، ماهیت انفعالی آن در برابر دشمن را تظہیر نمی‌کند و حرکت در این مسیر، تکرار همان کژراهه‌ای است که ولی‌فقیه شهیدمان، بارها نسبت به فرجام خسارت‌بار آن اتمام حجت کرده بودند.

افراد ظاهرین به دنبال حل مسائل کشور از طریق مذاکره با آمریکا هستند.

موضع روز

ملت ایران «گوش به فرمان آمریکا» ننماید

«کسانی که می گویند چرا با آمریکا مذاکره مستقیم انجام نمی دهید و مسائل را حل نمی کنید ظاهری هستند.

اتحاد مقدس مردم نباید خدشه دار بشود.

خدمتگزاران کشور و رئیس جمهور بکار و پرتلاش را مردم حمایت کنند.»

رویدادها
۱۳۹۷ / ۰۵ / ۰۲



رهبر شهید در دوم شهریورماه ۱۴۰۴ با اشاره به صداهایی که تلاش می کنند دشمنی با آمریکا را تقلیل دهند فرمودند: «این کسانی که می گویند آقا! شعار ندهید علیه آمریکا، عصبانی می شوند، با شما دشمنی می کنند، اینها ظاهرینند. این کسانی که تحلیل می کنند که چرا با آمریکا مذاکره می مستقیم نمی کنید، مسائلتان را حل نمی کنید، به نظر من ظاهرینند. باطن قضیه این نیست؛ این مسئله حل نشدنی است. او می خواهد که ایران گوش به فرمان آمریکا باشد. ملت ایران از چنین اهانت بزرگی بشدت رنجیده می شود و در مقابل آن کسانی و آن کسی که چنین توقع غلطی از ملت ایران دارد، با همه ی قدرت می ایستد. جنگ اخیر هم به خاطر همین بود. رژیم صهیون را پیش کردند، تحریک

کردند، رضایت نشان دادند، کمک کردند برای اینکه به ایران حمله کند و به خیال خودشان کار ایران را تمام کند، کار جمهوری اسلامی را تمام کند! اینها تصوّر نداشتند که ایران در مقابل حرکت آنها آن چنان مشتبی به آنها خواهد زد که آنها را پشیمان خواهد کرد؛ این تصوّر را نداشتند.»

ظاهر بینی افرادی که رهبر شهید به آنها اشاره دارند، ناشی از عدم شناخت صحنه و سیاسی کردن منافع ملی کشور است. برخی تصور می کنند مسئله ما و آمریکا ناشی از یک لجبازی سیاسی بوده و می توان موضوع را با گفتگو، مذاکره و کنار گذاشتن برخی شعارهای آزادی خواهانه حل کرد. در حالی که به فرموده امام شهید، دشمنی آمریکا با ایران بر سر موضوع استقلال طلبی است و آمریکا بر اساس خوی استکباری خود - که همه ملت ها را به زیر یوغ خود کشیده - ایران را نیز می خواهد به طور کامل تسلیم خود کند.

رهبر شهید با درک صحیح از روح تمدنی ملت مسلمان ایران، این موضوع را اهانت به مردم می دانند و عملاً آمریکا و این افراد ظاهرین را یکی کرده و توقعشان را غلط می شمارد چراکه نه ایران اسلامی عوض شده و نه آمریکا از استکبار خود دست برداشته است. همزمان راه را به مردم و مسئولین نشان می دهد که اولاً این قضیه حل نشدنی است و ثانیاً باید با همه ی قدرت جلوی این تفکر ایستادگی کرده و ایستادگی را در مقابل آمریکا ادامه داد.

مذاکره با آمریکا بن بست محض است!

نبرد سرنوشت

مجموعه پیام های نبیینی پیرامون
جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

مذاکره با آمریکا مذبذبه و گمراه کننده است.

بناظر مشورتی، شماری که دارد و منفعتی که اصلاً ندارد.
مذاکره با آمریکا یعنی باز کردن راه نفوذ و تحویل.
عده ای با سهولت اندیشی و نگاه عوامانه مذاکره با شیطان بزرگ را توجیه می کنند.

www.rahmannews.com

«خواهش می‌کنم مسئولین سیاسی و فعالان سیاسی هم یک قدری تأمل کنند، روی این حرف‌ها فکر کنند، تأمل کنند و قضاوت را بر اساس آگاهی و اطلاع انجام بدهند. حرف من این است که در حال حاضر با وضعیتی که وجود دارد - حالا ممکن است بیست سال دیگر، سی سال دیگر وضعیت دیگری وجود داشته باشد؛ با آن کاری نداریم - در وضع کنونی، مذاکره با دولت آمریکا، اولاً هیچ کمکی به منافع ملی ما نمی‌کند، هیچ سودی برای ما ندارد، هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد؛ یعنی کاری است بدون سود، بدون اینکه برای کشور فایده‌ای داشته باشد، بدون اینکه ضرری را دفع کند؛ مطلقاً چنین تأثیری ندارد. این اولاً. ثانیاً بعکس، زبان‌هایی هم بر آن مترتب است.

یعنی سود که ندارد هیچ، مطلب دوم این است که مذاکره با آمریکا در شرایط کنونی ضررهای بزرگی برای کشور دارد که شاید بشود گفت بعضی از این ضررها جبران‌ناپذیر هستند؛ یک چنین زبان‌هایی هم دارد. من حالا اینها را شرح خواهم داد. ۱ مهرماه ۱۴۰۴»

رهبر شهید در این بیان تأکید می‌کنند که مذاکره با آمریکا در وضع کنونی ضررهایی جبران‌ناپذیر خواهد داشت. اگرچه به نظر نمی‌رسد که عبارت وضع کنونی در کلام ایشان مربوط به دوره زمانی کوتاهی باشد، زیرا ایشان در مقایسه این وضع با وضعی دیگر به بیست تاسی سال آینده مثال می‌زنند که نشان می‌دهد وضع مورد نظر ایشان، یک وضع نسبتاً بلندمدت است، اما حتی اگر بخواهیم وضع کنونی در عبارت ایشان را به گونه‌ای محدود نیز درک کنیم، باید آنرا منطبق بر دورانی بدانیم که پس از پذیرش آتش بس در جنگ ۱۲ روزه بوده است. یعنی رهبر شهید صراحتاً اعلام کرده‌اند که مذاکره با آمریکا پس از جنگ، ضررهای خسارت‌باری برای کشور خواهد داشت و هیچ منفعتی به ما نمی‌رساند. بنابراین پرسشی که این روزها درخصوص اصل مذاکره با آمریکا مطرح است، ناشی از این ذهنیت است که با وجود چنین بیاناتی و حتی مخالفت رهبر فعلی انقلاب، چه چیزی باعث اصرار مسئولین به مذاکره با آمریکا می‌شود؟! لذا همانطور که رهبر شهید فرمودند، لازم است مسئولین و فعالان سیاسی یک قدری روی این حرف‌ها فکر کنند، تأمل کنند. این دعوت به اندیشه نشان می‌دهد که منطق و اصولی از این ممنوعیت مذاکره پشتیبانی می‌کند که اگر مسئولین به این عقلانیت مجهز نشوند، هیچگاه آنرا درک نکرده و در مسیری گام می‌گذارند که برخلاف منافع ملی بوده و کشور را به خطر می‌اندازد!

مذاکره با آمریکا ضررهای جبران ناپذیری برای

کشور دارد.



در میان انبوه تحلیل‌های سیاسی، گاهی یک جمله، مسیر حقیقت را چنان روشن می‌کند که هرگونه تفسیر اضافی بر آن، حجاب می‌شود. سخن رهبر شهید انقلاب در تاریخ یکم مهر ۱۴۰۴، از همین جنس است. ایشان با صراحتی کم‌نظیر، مذاکره با آمریکا را بن‌بست محض و ضرر محض

خواندند؛ تعبیری که بر اساس منطق قدرت و تجربه تاریخی بیان شده است.

برای درک عمق این هشدار، باید از سطح ظاهر دیپلماسی فراتر رفت. در قاموس سیاست بین‌الملل، هر کنشی معنایی نمادین دارد. رهبر شهید با نگاهی دقیق به روانشناسی قدرت، تصریح کردند که این مذاکره، صرفاً آزاری برای خودبزرگ‌بینی رئیس‌جمهور آمریکا است. او در میدان تبلیغات جهانی چنین وانمود خواهد کرد که ایران را با تهدید، پای میز نشانده است. این تصویرسازی دروغین یک ضربه حیثیتی و راهبردی برای کشور است. پذیرش گفت‌وگو در زیر سایه تهدید، خطای محاسباتی بزرگی است که دشمن را برای فشارهای بیشتر جری‌تر می‌سازد.

ضرر جبران‌ناپذیر دیگر، در هم شکستن بنیان قدرت بازدارندگی روانی کشور است. وقتی دشمن تصور کند که با نمایش چماق تهدید، ایران را مجبور به عقب‌نشینی کرده، عملاً هزینه تجاوز و زیاده‌خواهی را برای او کم خواهد کرد. اینجاست که مذاکره، مصداق عینی یک معامله یک‌طرفه است؛ طرف آمریکایی برد تبلیغاتی عظیمی کسب می‌کند، تحریم‌ها را همچنان چون خنجر بر گلو نگه می‌دارد و از سوی دیگر، جریان نفوذ اطلاعاتی و امنیتی خود را به لایه‌های تصمیم‌سازی کشور تزریق می‌کند. حاصل این داد و ستد نابرابر برای ایران، جز توقف موتور پیشرفت، آشفته‌گی بازار و فرسایش سرمایه اجتماعی ملت نخواهد بود.

واقعیت آن است که میز مذاکره با چنین طرفی، یک تله است. تجربه نشان داده که زیاده‌خواهی‌های آمریکا با نرمش پایان نمی‌یابد، بلکه فزونی می‌گیرد امروز بهانه‌ای و فردا چیز دیگری. ایستادگی بر موضع عزت و خنثی‌سازی تحریم‌ها، تنها راهکاری است که نمی‌گذارد حیثیت ملی، خرج تبلیغات یک رئیس‌جمهور نامتعادل شود. هشدار راهبردی رهبر شهید، نقشه راهی روشن برای گذر از این پیچ تاریخی است.

قبول مذاکره زیر تهدید، نشانه تهدیدپذیری ایران اسلامی است!

«و اما ضرر؛ گفتم [مذاکره با آمریکا] ضرر دارد. این مهم تر است؛ اینکه ضرر دارد، مهم تر است. طرف تهدید کرده که اگر مذاکره نکنید، چنین و چنان خواهد شد، بمباران می کنیم، چه می کنیم؛ از این حرف ها؛ یک خرده مبهم، یک خرده صریح؛ یعنی تهدید؛ یا مذاکره کنید یا اگر مذاکره نکردید، چنین و چنان خواهد شد! این تهدید است. خب قبول چنین مذاکراتی نشانه ی تهدیدپذیری ایران اسلامی است. اگر چنانچه شما با این تهدید رفتید مذاکره کردید، معنایش این است که ما در مقابل هر تهدیدی فوراً می ترسیم، می لرزیم و تسلیم طرف مقابل می شویم؛ معنایش این است. این تهدیدپذیری اگر به وجود آمد، دیگر انتها نخواهد داشت. امروز می گویند اگر چنانچه غنی سازی داشته باشید، ما چنین و چنان می کنیم؛ فردا می گویند اگر موشک داشته باشید، ما چنین و چنان می کنیم؛ بعد می گویند اگر با فلان کشور ارتباط نداشته باشید، ما چنین و چنان می کنیم؛ اگر با فلان کشور ارتباط داشته باشید، ما چنین و چنان می کنیم؛ مدام تهدید [هست] و مجبوریم که در مقابل تهدیدهای دشمن عقب نشینی کنیم. یعنی قبول مذاکراتی را که با تهدید همراه است، هیچ ملت باسرفی انجام نمی دهد، هیچ سیاستمدار خردمندی هم آن را تصدیق نمی کند.» (۱۴۰۴/۴/۱۸)

با آغاز به کار دولت ترامپ، رویکرد فشار حداکثری و تهدید برای نشان دادن ایران پای میز مذاکره در پیش گرفته شد؛ تهدیدهایی وقیحانه تر از تمام رؤسای جمهور پیشین. در داخل، برخی تحت تأثیر این فضا، مذاکره را تنها مسیر نجات تصویر کردند اما رهبر انقلاب در پیامی تلویزیونی هشدار دادند که مذاکره زیر سایه تهدید، سرآغاز مسیری بی پایان از تهدیدپذیری است. این حقیقت به زودی محقق شد: در میانه دور نخست مذاکرات، ترامپ ایران را تهدید سخت کرد و سرانجام آمریکا و رژیم صهیونیستی حمله کردند. پس از جنگ دوازده روزه، مذاکرات از سر گرفته شد، اما تهدیدها شدیدتر از گذشته بود. ایران در آستانه توافق و برنامه ریزی برای دور سوم، بار دیگر هدف هجوم وحشیانه آمریکا قرار گرفت. اما این پایان کار نبود و ایران باز هم به میز مذاکره بازگشت، حال آنکه تهدیدات ترامپ لحظه به لحظه شدیدتر می شد.



مذاکره همراه با تهدید را هیچ ملت با شرفی انجام

نمی‌دهد.

نبرد سرنوشت
مجموعه پیام‌های تبیینی پیرامون
جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران



«امروز می‌گویند اگر چنانچه غنی‌سازی داشته باشید، ما چنین و چنان می‌کنیم؛ فردا می‌گویند اگر موشک داشته باشید، ما چنین و چنان می‌کنیم؛ بعد می‌گویند اگر با فلان کشور ارتباط نداشته باشید، ما چنین و چنان می‌کنیم؛ اگر با فلان کشور ارتباط داشته باشید، ما چنین و چنان می‌کنیم؛ مدام تهدید [هست] و مجبوریم که در مقابل تهدیدهای دشمن عقب‌نشینی کنیم. یعنی قبول مذاکره‌ای را که با تهدید همراه است، هیچ ملت با شرفی انجام نمی‌دهد، هیچ سیاستمدار خردمندی هم آن را تصدیق نمی‌کند. بنابراین، وضع این جور است.» (۱۴۰۴/۷/۱)

رهبر شهید انقلاب به فراخور شرایط تاریخی و وضعیت کارگزاران کشور، گفتمان مذاکره با آمریکا را با استدلال‌های مختلفی

نقد کرده‌اند. هر یک از این استدلال‌ها افزون بر منطق دینی و عقلایی، واجد منطق عملی و تجربی هم است؛ یعنی تجربه‌ی تاریخی مذاکره با آمریکا در کشور تاییدکننده‌ی محتوای استدلال رهبر شهید است. یکی از تبیین‌ها و استدلال‌های قائل‌شده در تبیین علت نفی مذاکره با آمریکا، «تهدیدپذیر شدن کشور» است. در این تبیین، مادامیکه ماهیت استکباری و سلطه‌گری آمریکا تغییر نیابد، مذاکره با آمریکا اساساً «مذاکره زیر سایه‌ی تهدید» است و اگر ایران چنین مذاکره‌ای را بپذیرد، بالاجبار باید به فرآیند بی‌انتهای تهدیدپذیری (تهدید - مذاکره - تسلیم) تن بدهد و تمامی مظاهر قدرت خود را یک به یک تسلیم نماید. امام شهید معتقد بودند که اگر سیاستمداری با نظری خردمندانه و واقع‌بینانه و نتیجه‌گرایانه به پدیده‌ی «مذاکره زیر سایه‌ی تهدید» بنگرد، چنین مذاکره‌ای را نه تنها واجد سودی نمی‌دانند، بلکه آن را شدیداً «مضر» خواهد یافت. همچنین، ملت و جامعه‌ی ایران که در هویت تاریخی خود گوهر شرافت را دارد، اگر به منطق چنین مذاکره‌ای آگاه بشود، آن را نافی شرف ایران دانسته و از آن به شدت پرهیز می‌کند.

ادعای دادن امتیاز توسط آمریکا دروغ است!

رهبر معظم انقلاب در خصوص خلف وعده و دروغ‌گویی دولت آمریکا اینگونه می‌فرمایند: «طرف مقابل هم البته حالا ممکن است بگوید من در مقابل این، فلان امتیاز را هم به شما می‌دهم! دروغ می‌گویند! آنچه می‌گویند به عنوان امتیاز می‌دهیم، دروغ است! ده سال قبل از این، ما یک قراردادی با آمریکایی‌ها بستیم که اسمش در داخل کشور ما «برجام» است... ما همه‌ی کارهایی را که باید انجام می‌دادیم انجام دادیم، او تحریم‌ها را برداشت، هیچ کدام از قول‌هایی را که داده بود انجام نداد و بعد هم اصلاً خود او، به تعبیر رایج، پاره کرد آن قرارداد یا آن توافقنامه و تفاهمنامه‌ای را که مقرر شده بود، اصلاً بکلی خارج شد از برجام و آن را رد کرد...»



این طرف مقابل ما در همه چیز خُلف وعده می‌کند، در همه چیز دروغ می‌گوید، فریب اعمال می‌کند» طبق بیانات صریح رهبر معظم انقلاب، آمریکا در هر نوع فرآیند دیپلماتیک همواره به دنبال گرفتن امتیاز نقد و گشودن مسیر نسبی برای تعهدات خویش است و تجربه قراردادهای گذشته نظیر برجام سند آشکاری برای این موضوع است. اساساً دکترین رفتار سیاسی آمریکا بر پایه زورگویی، فریب، حيله‌گری و یک طرفه بودن تعهدات استوار است و هرگز بر اساس منافع یا تکریم حقوق ملت ایران شکل نگرفته است. از این رو، تعبیری که امروز برخی جریانات داخلی در خصوص رُست‌های امتیازدهی و واشنگتن یا تعلیق‌های موقت تحریمی به کار می‌برند خلاف واقع بوده و آمریکا در جایگاه امروز خود نیز علیرغم شکست مفتضحانه در میدان نظامی، از پنجره دیپلماسی به دنبال اجرای خدعه‌ای دیگر برای خنثی سازی اهرم‌های قدرت و بازدارندگی ایران است و اینگونه نیست که در مقام امتیازدهی قرار گرفته باشد. تجربه چند روزه اخیر پس از امضای یادداشت تفاهم و بدعهدی‌ها و خدعه‌های مکرر آنها در مواردی همچون نقض آتش بس در لبنان و باز کردن مسیر غیرقانونی در تنگه هرمز، موید این امر است. بر پایه این منطق، نشست‌ن پشت میز دیپلماسی با دولتی که فاقد هرگونه صداقت ساختاری است و هم‌زمان با ادعای صلح، به تهدید و خدعه متوسل می‌شود، هیچ کمکی به منافع ملی نکرده و گرهی از مشکلات کشور باز نخواهد کرد.

مذاکره برای آمریکا مفید است نه ایران!



«به نظر من مذاکره‌ی با آمریکا برای مسئله‌ی هسته‌ای و شاید برای مسائل دیگر، بن‌بست محض است؛ یعنی هیچ راه درستی وجود ندارد برای اینها، بن‌بست محض است. فکر کنند، ببینند. البته برای او مفید است؛ این مذاکره برای آن رئیس‌جمهور فعلی آمریکا مفید است؛ او سرش را بالا خواهد گرفت، خواهد گفت من ایران را تهدید کردم و او را آوردم پای میز مذاکره نشاند؛ او در دنیا از این افتخارات می‌کند. اما

برای ما ضرر محض است و هیچ فایده‌ای برای ما ندارد.» (۱ مهر ۱۴۰۴)
ترامپ، برخلاف ظاهر قلدرمآبانه و تهدیدهای بی‌پروایش، در داخل آمریکا با بحران‌های سیاسی فزاینده‌ای دست‌به‌گریبان است. او برای انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره و تثبیت موقعیت متزلزل حزب جمهوری‌خواه، به یک «پیروزی نمایشی» بزرگ نیاز دارد؛ پیروزی‌ای که بتواند آن را به‌عنوان دستاوردی تاریخی به رأی‌دهندگان بفروشد. آوردن ایران پای میز مذاکره صرفاً با زبان تهدید، دقیقاً همان روایتی را می‌سازد که او به دنبالش است: «من با یک جنگ کنترل شده و تنها با قاطعیت، دشمن قسم‌خورده آمریکا را به زانو درآوردم.» این روایت، برگ برنده‌ای برای سرپوش گذاشتن بر ناکامی‌های اقتصادی و شکاف‌های داخلی اوست. ترامپ از همان آغاز، منتقد سرسخت سیاست دموکرات‌ها در قبال ایران بود؛ او برجام را «بدترین توافق تاریخ» خواند، آن را پاره کرد و حالا تشنه آن است نشان دهد «اوباما و بایدن نه، اما من موفق شدم.»

در عرصه سیاست خارجی نیز، نشستن ایران بر سر میز مذاکره، به ترامپ فرصت می‌دهد تا سیاست «فشار حداکثری» شکست‌خورده خود را احیا کند و آن را الگویی موفق برای مهار دیگر رقبای آمریکا، از جمله چین و روسیه، معرفی نماید. او از این مذاکرات برای تحکیم جایگاه خود در برابر متحدان اروپایی و نیز جلب حمایت لابی‌های قدرتمند داخلی بهره می‌برد.

مذاکره با آمریکا گره تحریم ها را کورتر خواهد کرد!

در شرایط کنونی کشور، یک پرسش بیش از همه تکرار می شود، چرا مذاکره با آمریکا؟ این پرسش را برخی با نیت خیر و از سر دغدغه معیشت مردم مطرح می کنند و برخی دیگر انگیزه های غیر دارند. پاسخ به این پرسش اما نیازمند نگاهی واقع بینانه به سرشت مذاکره با دولتی است که حافظه تاریخی ما ایرانیان سرشار از بدعهدی و زیاده خواهی های اوست. رهبر شهید تحلیلی روشن از این مسئله ارائه داده بودند. ایشان در سخنرانی ۲۲ اسفند ۱۴۰۳ تأکید کردند که اگر هدف از مذاکره، رفع تحریم ها باشد، گفت و گو با این دولت آمریکا نه تنها گشایشی ایجاد نمی کند، بلکه گره تحریم ها را کورتر خواهد کرد. ایشان با



شناختی عمیق از منطق حاکم بر سیاست خارجی آمریکا هشدار دادند که طرف مقابل در هر دور مذاکره، مطالبات تازه ای مطرح می کند؛ توقعاتی فزاینده که مسیر توافق را دشوارتر از پیش می سازد. این سخنان تصویری از یک چرخه فرسایشی را ترسیم می کند. مذاکره ای که در آن یک طرف تنها به فکر خریدن زمان برای تشدید فشار است، حاصلی جز افزایش هزینه ها ندارد. دولت آمریکا در این مدل از دیپلماسی، هم زمان با چیدن میز مذاکره، تحریم های جدیدی وضع می کند تا برگ های امتیازگیری خود را بیشتر کند. این روش، میز مذاکره را به میدان مین تبدیل می کند که در آن هر گام رو به جلو، خطر ایجاد یک توقع تازه را به همراه دارد.

ایشان با درک این واقعیت، صریحاً اعلام کرد که مذاکره هیچ گرهی را باز نخواهد کرد. این تحلیل برخاسته از تجربه ای عینی است. در تمام سال های گذشته، هرگاه به تعهدات خود در چارچوب توافقات عمل کردیم، با خواسته های فرامتنی و زیاده خواهانه روبه رو شدیم. منطق دشمن، مهار توانمندی های ایران در پوشش مذاکره است، نه حل اختلافات. گره تحریم زمانی کورتر می شود که ما با حضور پای میز مذاکره مسیر اعمال فشار را هموارتر کنیم.

این تصویر دیپلماسی را نفی نمی کند این منطق تأکیدی بر واقع بینی و عزتمندی در سیاست خارجی است. رهبر شهید با این هشدار خود، مسیر روشنی را پیش روی همگان در ایران ترسیم کرد، راه نجات، ایستادگی بر اصول و تکیه بر توانایی های درونی است. گره تحریم با دستان کشوری باز می شود که در پی خنثی سازی تحریم باشد نه با گره زدن موفقیت به امضای توافقی که فردای آن با انبوهی از مطالبات تازه روبه رو شود. این همان رمزی است که شهید عزیزمان با خون خود بر آن مهر تأیید زد و رمزی است که حقیقتی راهبردی را فریاد می زند.

ذات استکباری آمریکا، جز با تسلیم شدن ایران آرام نخواهد گرفت.



«بعضی می پرسند خب آقا! حالا ما در مقابل آمریکا تسلیم نشدیم؛ آیا رابطه هم با آمریکا تا آخر ابد نخواهیم داشت؟ تا ابد مثلاً با آمریکا مخالفت خواهیم داشت؟ جوابش این است که اولاً ذات استکباری آمریکا بجز تسلیم چیز دیگری را قبول نمی کند؛ این را همه ی رؤسای جمهور آمریکا می خواستند ولی به زبان نمی آوردند؛ این رئیس جمهور فعلی به زبان آورد؛ گفت باید ایران تسلیم بشود. این در واقع آن باطن آمریکا را لو داد. تسلیم شدن یک ملت، آن هم ملتی مثل ایران، با این همه توانایی، با این همه ثروت، با این سابقه ی فکری و معرفتی، با این همه جوان هشیار و پُرانگیزه، چه معنا دارد؟ ... ذات استکباری آمریکا با ذات استقلال طلبی انقلاب با همدیگر

سازگار نبود. من این را می خواهم بگویم؛ اختلاف جمهوری اسلامی و آمریکا یک اختلاف تاکتیکی نیست، یک اختلاف موردی نیست، یک اختلاف ذاتی است.» (۱۲ آبان ۱۴۰۴)

اصل مذاکره ناپذیر بودن آمریکا در این بیان، معلول اختلافات بنیادین آمریکا و انقلاب اسلامی است که هیچگاه این دشمن حاضر نمی شود استقلال طلبی ایران را بپذیرد و طرف معامله با آن بنشیند. رهبر شهید در این بیان توضیح می دهند که آمریکا اختلافی ذاتی با ایران دارد و همین سطح دشمنی سبب شده است تا نپذیرد امتیازی به ایران بدهد، لکن این یک نکته مهم است که ملت ایران با پشتوانه تاریخی خودش، نمی تواند در مسیری قدم بگذارد که به تسلیم منتهی شود! امروز پرسش ملت ایران این است که مسئولین کشور در چه مذاکراتی با آمریکا به دنبال احقاق حقوقشان هستند؟! در برابر دشمنی که اصل وجود ما را نمی پذیرد و در مذاکره و جنگ، جز تسلیم را دنبال نمی کند، ما چه فتحی را در روندهای دیپلماتیک مستقیم با او جستجو می کنیم؟!

مذاکره با آمریکا، عاقلانه، هوشمندانه و

شرافتمندانه نیست!

«اولاً مذاکره‌ی با آمریکا هیچ تأثیری در رفع مشکلات کشور ندارد؛ این را باید ما درست بفهمیم. این جور به ما وانمود نکنند که اگر نشستیم پشت میز مذاکره با آن دولت، فلان مشکل یا فلان مشکل حل می‌شود؛ نخیر، از مذاکره‌ی با آمریکا هیچ مشکلی حل نمی‌شود. دلیل: تجربه! ما در دهه‌ی ۹۰ نشستیم حدود دو سال با آمریکا مذاکره کردیم... امتیاز دادیم، کوتاه آمدیم، اما نتیجه‌ای را که مقصودمان بود به دست نیاوردیم؛ همین معاهده را هم با همه‌ی این نقص‌هایی که داشت، طرف مقابل باز خراب کرد، نقض کرد، پاره کرد. با یک چنین دولتی مذاکره نباید کرد؛ مذاکره کردن



عاقلانه نیست، هوشمندانه نیست، شرافتمندانه نیست.» (۱۹ بهمن ۱۴۰۴)

رهبر شهید که مستقیماً روندهای متعددی از مذاکرات با آمریکا را نظارت کردند، تصریح دارند که اصل مذاکره با آمریکا اقدامی بی‌ثمر است که هیچ مشکلی را نمی‌تواند حل کند. ایشان به مذاکرات دهه نود مثال می‌زنند که در عمل هیچ مشکلی را برطرف نکرد و امروز باید از آن درس گرفته شود. وجه اینکه ایشان مذاکره کردن با آمریکا را عاقلانه و هوشمندانه و حتی شرافتمندانه نمی‌دانند در همین تجربه‌هایی نهفته است که باید درباره آنها تأملات جدی شود تا ذات استکبار، روحیه آن و الگوهای رفتاری اش کشف شود. اینکه دشمنی مستکبر در برابر شما بنشیند و انتظار تسلیم از شما داشته باشد، لکن خودش هیچگونه تعهدی به طرف مقابل یا دیگر طرف‌های جهانی نداشته باشد، مذاکره‌ای هوشمندانه است؟! اینکه دشمن آمریکایی تلاش می‌کند با تحقیر ایران و توهین به مردم آن در مذاکرات جاری، جایگاه شکست خورده نظامی اش در جنگ چهل روزه را احیا کند، متناسب با شرافت ملت قهرمان ایران است؟! آیا این اقدامی هوشمندانه است که این فرصت به آنها داده شود؟! کدام دلیل عقلانی این را پشتیبانی می‌کند که در تجربه‌ای قدم بگذاریم که هیچ دستاوردی نداشته است؟! پرسش‌های متعددی امروز متوجه مسئولین کشور است که دلیل آنها برای اصل مذاکره با آمریکا چیست؟! آن هم با وجود چنین تصریحاتی از امام شهید!

استدلال به اینکه گفتگوهای فعلی ماهیتاً با موضوع مذاکره با آمریکا در قبل از جنگ متفاوت است، استدلال خطایی است.

«می‌گویند بیائید مذاکره کنیم، بیائید روابط ایجاد کنیم. شعار تغییر می‌دهند؛ خوب، این تغییر کجاست؟... این را برای ما روشن کنید؛... دشمنی شما با ملت ایران تغییر کرده؟ کو علامتش؟ دارائی‌های ملت ایران را آزاد کردید؟ تحریم‌های ظالمانه را برداشتید؟ از لجن پراکنی و اتهام‌زنی و تبلیغات سوء علیه این ملت بزرگ و مسئولین مردمی آن دست برداشتید؟ دفاع بی‌قید و شرط از رژیم صهیونیستی را کنار گذاشتید؟ چه تغییر کرده؟... درعمل تغییری مشاهده نمی‌شود. ما هیچ تغییری ندیدیم. حتی ادبیات هم عوض نشده است.» (رهبر شهید: ۱۳۸۸/۱)

با اینکه این خطاب رهبر شهید ما به رئیس‌جمهور (اوباما) و دولت وقت آمریکا بوده، اما منطق آن استثنای‌پذیر است. بعدها هم سرنوشت برجام نشان داد واقعاً چیزی تغییر نکرده بود. اکنون هم مدافعان مذاکره مدعی حصول تغییرند اما رهبر شهید باز به ما نهیب می‌زند که اگر چیزی تغییر کرده، باید نشانه‌های آن را ببینید تا بتوانید از مذاکره (با هر هدفی) دفاع کنید؛ و حال آنکه نه حمایت از رژیم قطع شده نه دارائی‌هایمان آزاد شده نه حتی ادبیات دشمن تغییر کرده است.

شاید اصرار کنند که خیر! قبلاً ما در جنگی برنده نبرد نبودیم، و از این رو این مذاکرات با قبل متفاوت است. اما باز با همان معیار رهبر شهید حتی با پذیرش پیروزی‌مان و صرف‌نظر از تعیین حدود و عمق و شدت و سطح پیروزی، می‌توان وارد راستی‌آزمایی شد. به‌علاوه پیروزی ما راهبردی بوده، یعنی اجازه نداده‌ایم دشمن به اهداف اولیه‌اش برسد، اما شدت ضربات ما باعث پشیمانی دشمن نشده، چنان‌که حتی از تهدید رهبر جدیدمان هم ابایی ندارد. فشار اقتصادی و انرژی هم بر دشمن به‌گونه‌ای رخ نداد که نفس‌های اقتصادی‌اش به شماره بیفتد؛ حتی امتیاز راهبردی تنگه را با محاصره و ضعف ما در شکستن آن کم‌اثر ساخت؛ آمریکا قلدر و رأس نظام سلطه است و حتی با اینکه به هدف اصلی‌اش نرسیده، به این زودی‌ها حاضر به عقب‌نشینی و وانهادن منطقه ما نیست و مذاکره با این موجودیت خبیثِ تغییرنا یافته بازهم نتیجه‌ای نداشته، گرچه ضرر هم خواهد داشت.